

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ تفسیر برخی آیات قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: محمد جواد

حروف مقطعه در آغاز برخی از سوره‌های قرآن به چه معناست؟ برخی فکر می‌کنند که این حروف از رازهای قرآن هستند و هیچ راهی برای فهمیدن آن‌ها وجود ندارد. برخی دیگر هم فکر می‌کنند که این حروف، رمزی برای کلمات هستند؛ مثلاً حرف «ن» برای «نور» و حرف «ق» برای «قدیر» و «حم» برای «حمید و مجید». نظر علامه منصور هاشمی خراسانی در این باره چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱/۲۸

چیزی در قرآن نیست که راهی برای فهمیدن آن وجود نداشته باشد؛ چراکه قرآن، «کِتَابٌ مُبِینٌ»^۱؛ «کتابی روشن‌گر» است و «روشن‌گر» به معنای چیزی واضح و بدون ابهام است. به علاوه، خداوند قرآن را برای همه‌ی مردم نازل کرده و آن را برای یادگیری آنان آسان نموده و در آن هیچ پیچیدگی‌ای قرار نداده؛ چنانکه فرموده است: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ»^۲؛ «این بیانی برای همه‌ی مردم است» و فرموده است: «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ»^۳؛ «این مایه‌ی بصیرتی برای همه‌ی مردم است» و فرموده است: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ»^۴؛ «این پیامی برای همه‌ی مردم است و برای اینکه با آن بیمناک شوند» و فرموده است: «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِهِ لِسَانَكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»^۵؛ «پس هرآینه آن را به زبان تو آسان کردیم باشد که آنان متذکر شوند» و فرموده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^۶؛ «و بی‌گمان قرآن را برای یاد گرفتن آسان کردیم؛ پس آیا یادگیرنده‌ای هست؟!»

۱. المائدة / ۱۵

۲. آل عمران / ۱۳۸

۳. الجاثية / ۲۰

۴. ابراهیم / ۵۲

۵. الذخان / ۵۸

۶. القمر / ۱۷

و فرموده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا»^۱؛ «ستایش برای خدایی است که بر بنده اش کتاب را نازل کرد و در آن هیچ پیچیدگی ای قرار نداد». به علاوه، خطاب قرار دادن مردم با کلامی که راهی برای فهمیدن آن ندارند، لغو است و لغو از خداوند سر نمی زند؛ چنانکه از اهل بیت روایت شده است: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُخَاطَبَ خَلْقَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ»^۲؛ «خداوند هیچ گاه خلقش را با کلامی که نمی فهمند خطاب نمی کند» و با این وصف، اگر خداوند می خواست رازی را با پیامبرش در میان بگذارد، آن را در کتابی که برای همه ی مردم نازل کرده است قرار نمی داد؛ چراکه این نقض غرض است. این دلایل همگی نشان می دهند که قرآن تماماً برای مردم قابل فهم است و چیزی در آن نیست که راهی برای فهمیدنش نداشته باشند؛ همچنانکه نشان می دهد تفسیر حروف و کلمات قرآن به نحوی که برای اهل لغت شناخته نیست، تفسیر به رأی محسوب می شود، در حالی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَرَأْيَهُ فَأَصَابَ فَقَدْ أَخْطَأَ»^۳؛ «هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند، حتی اگر درست بگوید، خطا کرده است» و فرمود: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَرَأْيَهُ فَلْيَتَّبِعْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»^۴؛ «هر کس با رأی خود درباره ی قرآن چیزی بگوید، باید جای خود را در آتش مهیا کند». این به خاطر آن است که چنین کاری، نسبت دادن چیزی به خداوند بدون علم است که افتراء بر او محسوب می شود و خداوند به شدت از آن نهی کرده و فرموده است: «اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۵؛ «آیا به خداوند چیزی را نسبت می دهید که به آن علمی ندارید؟!» و فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ»^۶؛ «کسانی که بر خداوند افتراء می بندند، رستگار نمی شوند».

پس از روشن شدن این نکته، باید بدانید که حروف مقطعه معنای خاصی نزد اهل لغت ندارند و مثلاً اهل لغت نگفته اند که «ن» به معنای «نور» و «ق» به معنای «قدیر» و «حم» به معنای «حمید و مجید» است و از این رو، می توان گفت که این حروف هیچ معنای خاصی ندارند

۱ . الکهف / ۱

۲ . تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ رجال الکشی، ج ۲، ص ۵۷۸

۳ . سنن أبي داود، ج ۳، ص ۳۲۰؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۰۰؛ فضائل القرآن للنسائی، ص ۱۳۵؛ مسند أبي يعلى، ج ۳، ص ۹۰؛ مسند الرویانی، ج ۲، ص ۱۴۵؛ تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۷۹؛ معجم الصحابة للبخاری، ج ۱، ص ۵۴۰؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج ۲، ص ۱۶۳

۴ . تفسیر عبد الرزاق، ج ۱، ص ۲۵۳؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۶، ص ۱۳۶؛ مسند أحمد، ج ۳، ص ۴۹۶؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹؛ مسند البزار، ج ۱۱، ص ۶۱؛ فضائل القرآن للنسائی، ص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۷۸؛ شرح مشکل الآثار للطحاوی، ج ۱، ص ۳۵۸؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج ۱۲، ص ۳۵

۵ . الأعراف / ۲۸

۶ . یونس / ۶۹

و تبعاً همه‌ی تفاسیر باطنی و رمزگرایانه از این حروف، مبتنی بر ظنون و اوهام باطل و بی‌اساس هستند؛ چنانکه ابن عربی (د. ۵۴۳ق) در چیزی که از او نقل شده به آن اقرار کرده و گفته است: «مِنَ الْبَاطِلِ عِلْمُ الْحُرُوفِ الْمُقَطَّعَةِ فِي أَوَائِلِ السُّورِ، وَقَدْ تَحَصَّلَ لِي فِيهَا عِشْرُونَ قَوْلًا وَازْدِيدُ، وَلَا أَعْرِفُ أَحَدًا يَحْكُمُ عَلَيْهَا بِعِلْمٍ، وَلَا يَصِلُ مِنْهَا إِلَى فَهْمٍ»^۱؛ «یکی از کارهای باطل، معناتراشی برای حروف مقطعه در اوایل سوره‌ها است و من بیست نظر و بیشتر درباره‌ی آن پیدا کرده‌ام، ولی هیچ کس را نمی‌شناسم که از روی علم نظری داده باشد یا به فهم خاصی رسیده باشد» و این سخن درستی است، ولی به معنای بی‌فایده بودن حروف مقطعه نیست؛ چراکه از خداوند هیچ حرف بی‌فایده‌ای صادر نمی‌شود و فواید حروف مقطعه نزد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی موارد زیر است:

۱. آزمودن صدا توسط فرشته پیش از اینکه وحی سوره را آغاز کند و این فایده‌ی لطیفی است که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آن را آشکار ساخته است؛ چنانکه یکی از یاران او ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: مَا يُرِيدُ اللَّهُ بِقَوْلِهِ: الْفَ لَام مِيم؟! قَالَ: ذَلِكَ كَقَوْلِ أَحَدِكُمْ إِذَا يَتَكَلَّمُ بِالْمَجْهَرِ، فَيَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: الْوَاحِدُ، الْإِثْنَانِ، الثَّلَاثَةُ، لِيَعْلَمَ أَنَّ الصَّوْتِ بَالِغٌ، وَلِيَنْصَتَ السَّامِعُ، قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ سِرٌّ أَسْرَهُ اللَّهُ إِلَى النَّبِيِّ، قَالَ: لَوْ كَانَ سِرًّا لَمَا أُنْزِلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ، أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ لِلنَّاسِ؟! ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ أُنْزِلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَهُوَ بَيَانٌ لِلنَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾»^۲؛ «به منصور گفتم: مراد خداوند از اینکه فرموده الف لام میم چیست؟! فرمود: آن مانند سخن یکی از شماست هنگامی که با بلندگو سخن می‌گوید، پس پیش از آنکه سخن خود را آغاز کند می‌گوید: یک دو سه، تا بداند که صدا می‌رسد و تا شنونده سکوت (و توجه) کند. گفتم: آن‌ها می‌گویند آن رازی است که خداوند با پیامبرش در میان گذاشته است! فرمود: اگر راز بود خداوند آن را در قرآن نازل نمی‌کرد. آیا نمی‌دانند که قرآن برای همه‌ی مردم نازل شده است؟! سپس فرمود: هیچ چیزی از آنچه خداوند در قرآن نازل کرده نیست مگر اینکه بیانی برای همه‌ی مردم است. خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: «این بیانی برای همه‌ی مردم و هدایت و پندی برای پرهیزکاران است».

۱. الإِتْقَانُ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ لِلْسَيُوطِيِّ، ج ۳، ص ۳۰

۲. آل عمران / ۱۳۸

۳. گفتار ۷۶، فقره‌ی ۲



۲. جلب توجه پیامبر و آماده کردن او برای دریافت وحی در مواقعی که مشغول کاری بوده و این فایده‌ای است که برخی از عالمان و محققان نیز به آن اشاره کرده‌اند؛ چنانکه از حوفی (د. ۴۳۰ ق) نقل شده است: «الْقَوْلُ بِأَنَّهَا تَنْبِيهَاتٌ حَيْدٌ؛ لِأَنَّ الْقُرْآنَ كَلَامٌ عَزِيزٌ وَفَوَائِدُهُ عَزِيزَةٌ، فَيَنْبَغِي أَنْ يَرَدَّ عَلَى سَمْعٍ مُتَنَبِّهِ، فَكَانَ مِنَ الْجَائِزِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ قَدْ عَلِمَ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ كَوْنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي عَالَمِ الْبَشَرِ مَشْغُولًا، فَأَمَرَ جِبْرِيلَ بِأَنْ يَقُولَ عِنْدَ نُزُولِهِ: "الم" و"الر" و"حم" لِيَسْمَعَ النَّبِيُّ صَوْتَ جِبْرِيلَ، فَيَقْبَلَ عَلَيْهِ وَيُصْغِيَ إِلَيْهِ، وَإِنَّمَا لَمْ تُسْتَعْمَلِ الْكَلِمَاتُ الْمَشْهُورَةُ فِي التَّنْبِيهِ كَالَا وَأَمَّا لِأَنَّهَا مِنَ الْأَلْفَاظِ الَّتِي يَتَعَارَفُهَا النَّاسُ فِي كَلَامِهِمْ، وَالْقُرْآنُ كَلَامٌ لَا يُشَبِّهُ الْكَلَامَ، فَتَنَاسَبَ أَنْ يُؤْتَى فِيهِ بِالْأَلْفَاظِ تَنْبِيهٍ لَمْ تُعْهَدْ لِتَكُونَ أُبْلَغَ فِي قَرْعِ سَمْعِهِ»^۱؛ «این نظر که حروف مقطعه برای جلب توجه (پیامبر) بوده، نظر خوبی است؛ چراکه قرآن کلام خاصی است و فواید خاصی هم دارد و تبعاً می‌بایست به گوش‌ی آماده برسد. از این رو، ممکن است خداوند در برخی اوقات دانسته باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عالم بشر مشغول کاری است، پس جبرئیل را امر کرده باشد که به هنگام نزول خود بگوید: "الم" و "الر" و "حم" تا پیامبر آوای جبرئیل را بشنود و به او روی آورد و گوش بسپارد و به این دلیل از کلمات مشهور تنبیه مانند آلا و أما استفاده نشده است که آن‌ها الفاظی متعارف در میان مردم هستند و قرآن کلامی است که به کلام مردم شبیه نیست، پس مناسب است که برای تنبیه از الفاظی نامعهود استفاده کند تا در جلب توجه پیامبر مؤثرتر باشد».

۳. جلب توجه مردم، برای اینکه پیش از آغاز تلاوت، سکوت کنند و گوش بسپارند؛ خصوصاً با توجه به اینکه کافران در هنگام نزول قرآن سر و صدا می‌کردند و لغو می‌گفتند و گوش نمی‌سپردند؛ چنانکه خداوند از آن خبر داده و فرموده است: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲؛ «و کسانی که کافر شدند گفتند: به این قرآن گوش نسپارید و در خلال آن لغو گوید، باشد که غالب شوید». پس چون این حروف را می‌شنیدند، از روی شگفتی سکوت می‌کردند و گوش می‌سپردند و چه بسا این سکوت و گوش سپردن به هدایت آنان منجر می‌شد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۳؛ «هرگاه قرآن قرائت می‌شود، به آن گوش بسپارید و سکوت کنید باشد که مورد رحمت قرار گیرید».

۱. الإتيان في علوم القرآن للسيوطي، ج ۳، ص ۳۱

۲. فضلت / ۲۶

۳. الأعراف / ۲۰۴

۴. جلب توجه مردم به این نکته که قرآنی که اگر همه‌ی انس و جن جمع شوند، نمی‌توانند شبیه آن را بیاورند، هر چند برخی به برخی دیگر یاری رسانند، از همین حروف ساده و عادی ترکیب یافته است که خود می‌شناسند و به کار می‌برند.

این‌ها چهار فایده و کارکردی هستند که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی برای حروف مقطعه در ابتدای سوره‌ها می‌داند. به علاوه، در خبر یکی از یارانش آمده است: «سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْحُرُوفِ الْمُقَطَّعَةِ فِي الْقُرْآنِ، فَقَالَ: أَصَوَاتٌ مِنَ الْمَلَكَوَتِ سَمِعَهَا النَّبِيُّ قَبْلَ انْتِظَامِ الْوَحْيِ»^۱؛ «از منصور درباره‌ی حروف مقطعه در قرآن پرسیدم، پس فرمود: صداهایی از ملکوت بود که پیامبر پیش از انتظام وحی می‌شنید» و ظاهر آن است که این به برخی از چهار فایده یا همه‌ی آن‌ها بازمی‌گردد، ولی احتمال دارد که وجه پنجمی باشد؛ به این معنا که گاهی وحی در آغاز خود، صداهای مختلفی مانند صدای هجی کردن حروف داشته است و این امر عجیبی نیست؛ زیرا روایت شده است که از رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی کیفیت نزول وحی بر او پرسیدند، پس فرمود: «يَأْتِينِي أَحْيَانًا لَهُ صَلَٰصَلَةٌ كَصَلَٰصَلَةِ الْجَرَسِ، فَيَنْفِصُمُ عَنِّي وَقَدْ وَعَيْتُ، وَذَلِكَ أَشَدُّهُ عَلَيَّ، وَيَأْتِينِي أَحْيَانًا فِي صُورَةِ رَجُلٍ، فَيُكَلِّمُنِي كَلَامًا، فَأَعِي مَا يَقُولُ»^۲؛ «گاه در حالی بر من نازل می‌شود که صدایی مانند صدای زنگ دارد، سپس قطع می‌شود در حالی که آن را حفظ کرده‌ام و آن سخت‌ترین حالت وحی بر من است و گاه (فرشته‌ی وحی) در چهره‌ی مردی ظاهر می‌شود و با من سخن می‌گوید، پس سخنانش را حفظ می‌کنم» و از عبد الله بن مسعود روایت شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ يَسْمَعُ لَهُ صَوْتًا كَأَنَّهُ سِلْسِلَةٌ عَلَى صَفْوَانَ»^۳؛ «رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله و سلم وقتی وحی بر او نازل می‌شد، از آن صدایی مانند صدای حرکت زنجیر بر روی سنگ سخت می‌شنید» و در روایت ابو هریره آمده است: «لِقَوْلِهِ صَوْتُ كَصَوْتِ السِّلْسِلَةِ عَلَى الصَّفَا»^۴؛ «برای وحی صدایی مانند صدای زنجیر بر روی سنگ سخت است» و ظاهر آن است که این حالت در آغاز وحی و پیش از شکل‌گیری و نظم یافتن کلام بوده است، والله اعلم.

۱. گفتار ۷۶، فقره‌ی ۱

۲. سیره ابن إسحاق، ص ۱۴۶؛ موطأ مالك، ج ۱، ص ۱۰۴؛ فتوح الشام للواقدي، ج ۱، ص ۲۸۰؛ تفسیر عبد الرزاق، ج ۳، ص ۳۵۹؛ مسند الحميدي، ج ۱، ص ۲۸۶؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱، ص ۱۹۸؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۲، ص ۲۵۲؛ مسند أحمد، ج ۴۲، ص ۱۴۶؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ۴۳۳؛ صحيح البخاري، ج ۱، ص ۶؛ صحيح مسلم، ج ۷، ص ۸۲؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۵۹۷؛ سنن النسائي، ج ۲، ص ۱۴۶؛ التوحيد لابن خزيمة، ج ۱، ص ۳۵۸

۳. معجم الصحابة لابن قانع، ج ۲، ص ۶۲؛ در نسخه‌ی چاپ‌شده آمده است: «نَسَمِعُ لَهُ صَوْتًا كَأَنَّهُ سِلْسِلَةٌ عَلَى صَفْوَانَ»؛ «از آن صدایی مانند صدای حرکت زنجیر بر روی سنگ سخت می‌شنیدیم»، که ظاهراً تصحیف است. همچنین، بنگرید به: تفسیر الطبري، ج ۲۰، ص ۳۹۶.

۴. تفسیر الطبري، ج ۲۰، ص ۳۹۷

تعلیقات پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

نویسنده: شاکری

پرسش فرعی ۱

آیا نزول «بسم الله الرحمن الرحيم» در اول هر سوره با گفتار علامه درباره‌ی حروف مقطعه منافاتی ندارد؟

تاریخ: ۱۳۹۵/۸/۱۳

پاسخ به پرسش فرعی ۱

ممکن است از ظاهر گفتار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی برداشت شود که «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز هر سوره نازل نشده و این قول بسیاری از مسلمانان مانند ابو حنیفه، مالک، اوزاعی، داوود و قول قراء بصره و اکثر قراء و متفقهین مدینه در سده‌های نخستین است، بلکه برخی مانند جصاص (د. ۳۷۰ق) مدعی اجماع سلف بر آن تا پیش از شافعی شده‌اند^۱ و مؤید آن اختلاف مذاهب درباره‌ی جزئیت آن در سوره‌هایی جز سوره‌ی نمل است که بر خلاف ضرورت یقینی بودن و اجماعی بودن آیات قرآن است، تا جایی که به اتفاق مذاهب، منکر هر یک از آیات قرآن کافر محسوب می‌شود، ولی منکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز هر سوره کافر محسوب نمی‌شود. از این رو، برخی اهل علم گفته‌اند: «يَكْفِيكَ أَنَّهَا لَيْسَتْ مِنَ الْقُرْآنِ اخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهَا وَالْقُرْآنُ لَا يُخْتَلَفُ فِيهِ فَإِنَّ انْكَارَ الْقُرْآنِ كُفْرٌ»^۲؛ «اختلاف مردم در آن کافی است تا بدانی که آن از قرآن نیست؛ چراکه در قرآن اختلافی وجود ندارد و انکار قرآن کفر است».

با این حال، حق آن است که گفتار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، صریح در این معنا نیست؛ با توجه به اینکه ممکن است «بسم الله الرحمن الرحيم» یک بار بر پیامبر نازل و به او امر شده باشد که آن را در آغاز هر سوره قرار دهد و این جامع میان اقوال است؛ همچنانکه ممکن است «بسم الله الرحمن الرحيم» و حروف مقطعه هر دو نشانه‌ای از سنخ وحی و نزدیک بودن نزول سوره برای پیامبر بوده و به منظور جلب توجه آن حضرت و آزمودن آواها توسط فرشته و نیز ساکت ساختن مردم و جلب توجه آنان به آیات بعدی نازل شده باشند؛ خصوصاً با توجه به اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» برای کافران مانند حروف مقطعه غریب بوده، تا جایی که مشهور است سهیل بن عمرو نماینده‌ی آنان در صلح حدیبیه حاضر به نوشتن آن در صلح‌نامه نشد

۱. نگاه کنید به: أحكام القرآن للجصاص، ج ۱، ص ۸.

۲. أحكام القرآن لابن العربي، ج ۱، ص ۶؛ تفسیر القرطبي، ج ۱، ص ۹۳.



و گفت: «مَا نَعْرِفُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ «بسم الله الرحمن الرحيم را نمی‌شناسیم» و از پیامبر خواست که به جای آن «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» بنویسد^۱؛ همچنانکه از قرآن دانسته می‌شود که آنان «رحمن» را نمی‌شناختند؛ چراکه فرموده است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ؟﴾^۲؛ «و چون به آنان گفته می‌شود که برای رحمن سجده کنید، می‌گویند که رحمن چیست؟»^۱. بنابراین، «بسم الله الرحمن الرحيم» و حروف مقطعه در قرآن، تا حد زیادی برای آنان همگون بوده‌اند و از این حیث، می‌توانسته‌اند با هم و به منظور جلب توجه آنان -علاوه بر آغاز وحی و تلاوت آن با نام خداوند- نازل شده باشند.

نویسنده: نسرين

پرسش فرعی ۲

اول اینکه اگر حروف مقطعه چنین کارکردی داشته که بعید نیست، چرا در ابتدای همه سوره نیامده؟ آیا حال و وضع فعلی نبی اکرم (ص) در آن دخالت داشته؟

دوم انتخاب اینکه کدام حروف انتخاب شده و بعید است اتفاقی هر بار حرفی می‌آمده، همین مطلب را رازگون می‌کند و بار دیگر اینکه قرآن «بیان للناس» هست، اما هر لایه برای هر مرتبه از عقول نیست... اگر چه تأمل اینجا است که نمی‌شود در قرآن چیزی باشد که سراسر راز است... ولی در انتخاب حروف باز رازگون می‌شود و لا بأس لخروج كل المعنا عن التكلم بين الله و رسوله في معرض جميع!

تاریخ: ۱۳۹۶/۱/۲۵

پاسخ به پرسش فرعی ۲

مراد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آن است که گاهی وحی پیش از نظم یافتن کلمات و شکل گرفتن جملات، به صورت آوایی از ملکوت به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌رسید و این می‌توانست نشانه‌ای از سنخ وحی و نزدیک بودن نزول سوره برای آن حضرت و ناشی از آزمودن اصوات توسط فرشته به منظور جلب توجه آن حضرت و اطمینان از درستی ارتباط باشد؛ مانند تلفن کننده‌ای که پیش از مکالمه «آلو» می‌گوید یا نوازنده‌ای که ساز خود را پیش از نواختن کوک می‌کند یا سخنرانی که بلندگوی خود را پیش از سخنرانی می‌آزماید؛

۱. نگاه کنید به: مسند أحمد، ج ۴، ص ۸۶؛ صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۸۱؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۷۵؛ الکافی للکلینی، ج ۸، ص ۳۲۶.
۲. الفرقان / ۶۰.

همچنانکه خواندن این آواها برای مردم توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علاوه بر ابلاغ وحی به صورت کامل، برای ساکت کردن آنان و جلب توجه آنان به آیات بعدی در راستای عمل به امر خداوند بود که فرموده است: **«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»**^۱؛ «و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود پس به آن گوش سپارید و سکوت کنید باشد که آمرزیده شوید» و از این رو، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حتی کافران از آن حضرت درباره‌ی معنای آن‌ها پرسشی نمی‌کردند؛ چراکه ارتکازاً این کارکرد آن‌ها را در می‌یافتند و معنای دیگری را برای آن‌ها محتمل نمی‌دانستند.

با این وصف، نبودن آن‌ها در آغاز برخی سوره‌ها منافی با این واقعیت نیست؛ زیرا قطعاً وضعیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اوقات مختلف از حیث خواب یا بیداری و فراغت یا اشتغال و خلوت یا جلوت و سفر یا حضر و صحت یا بیماری و وقوف یا حرکت متفاوت بوده و این تفاوت، آغاز متفاوتی را برای نزول وحی اقتضا می‌کرده است؛ همچنانکه تفاوت در حروف مقطعه لزوماً اتفاقی نبوده، بلکه می‌توانسته است ناشی از وجود آهنگ و تأثیر متفاوت برای هر حرف متناسب با وضعیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا ناشی از تفاوت در کلمات و عبارات بعدی بوده باشد؛ با توجه به اینکه آزمودن اصوات توسط فرشته برای کلمات و عبارات متفاوت مانند آزمودن ساز برای نواختن موسیقی متفاوت، طبیعتاً اصوات متفاوتی را پدید می‌آورده؛ علاوه بر اینکه ممکن است حروف مقطعه در آغاز هر سوره سنخ کلمات و عبارات آن و مانند واژگان کلیدی در آغاز مقاله بوده باشند تا تلویحاً به مخاطب بفهمانند که این سوره از چنین حروفی ترکیب یافته است. بنابراین، نمی‌توان حروف مقطعه را به خاطر تفاوتشان رازی سر به مهر میان خداوند و پیامبر پنداشت؛ چراکه این پندار بر خلاف عموم بسیاری از آیات قرآن است؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: **«هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»**^۲؛ «این بیانی برای همه‌ی مردم و هدایت و پندی برای پرهیزکاران است» و آیه‌ای که می‌فرماید: **«وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ»**^۳؛ «و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما و هر کسی که به او می‌رسد را بیم دهم» و آیه‌ای که می‌فرماید: **«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا»**^۴؛ «و هرآینه در این قرآن سخن را گوناگون گردانیدیم تا آنان متذکر شوند» و آیه‌ای که می‌فرماید: **«وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»**^۵؛ «و از قرآن چیزی را نازل می‌کنیم که آن شفا و رحمتی برای مؤمنان است»

۱. الأعراف / ۲۰۴

۲. آل عمران / ۱۳۸

۳. الأنعام / ۱۹

۴. الإسراء / ۴۱

۵. الإسراء / ۸۲

و آیه‌ای که می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱؛ «و ذکر را بر تو نازل کردیم تا برای مردم چیزی که به سویشان نازل شد را تبیین کنی و باشد که آنان اندیشه کنند» و آیه‌ای که می‌فرماید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^۲؛ «و هرآینه قرآن را برای تذکر آسان کرده‌ایم پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟» و آیات بسیار دیگر از این دست که با عموم خود بر قابل فهم بودن همه‌ی قرآن برای همه‌ی عقلا - صرف نظر از مراتب عقولشان - دلالت دارند و قابل تخصیص با برخی روایات واحد و متعارض یا اوهام و ظنون مفسران نیستند.

حاصل آنکه مبنای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی درباره‌ی حروف مقطعه، در غایت متانت است، بلکه ناگزیر باید آن را پذیرفت و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
مجلس با حکم آیت الله العظمی خراسانی



۱. النحل / ۴۴

۲. القمر / ۱۷